

بررسی فقهی و حقوقی جرمه تأخیر (کتاب)

نویسنده خلاصه: علی محمدی
نویسنده کتاب: محمدرضا مالک

چکیده

بررسی فقهی و حقوقی جرمه تأخیر، تألیف محمدرضا مالک، کتابی در حوزه فقه بانکداری است. نویسنده در این اثر، با نگاهی انتقادی، هرگونه دریافت مبلغ اضافی بابت تأخیر در بازپرداخت دیون نقدی را ربوی و حرام می‌داند. دیدگاه محوری او بر این اصل استوار است که هیچ‌یک از راهکارهای متداول مانند خسارت تأخیر تأدیه، وجه التزام و تعزیر مالی از حرمت ذاتی ربا خارج نیستند.

به نظر نویسنده، «عدم‌النفع» ضرر شرعی محسوب نمی‌شود و کاهش ارزش پول نیز به فعل بدهکار مربوط نیست. او تأکید دارد که هیچ شرط ضمن عقدی نمی‌تواند حرمت ذاتی ربا را برطرف کند. وی تعزیر مالی را نیز فاقد پشتوانه شرعی و منجر به منفورشدن حکومت می‌داند.

نویسنده به جای راهکارهای مالی، راه‌حل‌های غیرربوی مانند اعتبارسنجی متقاضیان، ارزیابی دقیق پروژه و اخذ وثیقه مطمئن را پیشنهاد می‌دهد و آنها را شرعی و عملیاتی معرفی می‌کند.

معرفی اجمالی

بررسی فقهی و حقوقی جرمه تأخیر، کتابی در حوزه فقه بانکداری است. این کتاب را محمدرضا مالک، عضو مرکز راهبردی مطالعات اسلامی اقتصادی مقاومتی مدیریت حوزه‌های علمیه، تألیف کرده است و اقتصاد صدر اسلام و تحلیل و نقد نظام مالی رایج از دیگر آثار او در فقه اقتصاد به‌شمار می‌آید. این اثر را انتشارات رسم وفا در سال ۱۴۰۰ ش در ۲۲۹ صفحه منتشر کرده است.

به گفته نویسنده راهکارهای ارائه‌شده برای مشروعیت‌بخشی جبران خسارت، یعنی جرمه تأخیر، وجه التزام، تعزیر مالی، همواره مورد نقد کارشناسان دینی و دانشگاهی قرار داشته است. به باور نویسنده این سه راهکار، علاوه بر اشکال عمومی ربوی، با مشکلات خاص دیگری همراه‌اند. نویسنده در این اثر ملاک‌های این سه راهکار را توضیح می‌دهد و هدف خود از نگارش این کتاب را زمینه‌سازی برای اصلاح مواجهه با جرمه تأخیر معرفی می‌کند (ص ۱۲-۱۵).

ساختار

کتاب با فهرست مطالب و مقدمه‌ای از نویسنده آغاز شده، با نتیجه‌گیری و فهرست منابع پایان می‌یابد. مباحث اصلی کتاب در چهار فصل سامان یافته است. سه فصل نخست با عناوین خسارت تأخیر تأدیه، وجه التزام، و تعزیر مالی به بررسی و نقد ادله موافقان اخذ جرمه تأخیر و راهکارهای ارائه‌شده برای آن اختصاص دارد. در فصل چهارم نیز جرمه تأخیر

در چهار نسخه طرح بانکداری بررسی شده و نویسندگان راهکارهای جایگزین برای جرمه تأخیر را پیشنهاد می‌دهد.

نقد مبانی فقهی موافقان خسارت تأخیر تأدیه
به گفته نویسندگان، موضوع خسارت تأخیر تأدیه، تعهد به پرداخت وجه نقد و تأخیر در انجام آن است؛ اما در تأخیر تعهدات مربوط به تحویل کالا یا خدمت، از اصطلاح «خسارت تأخیر در ایفاء تعهد» استفاده می‌شود (ص ۲۱). وی پس از اشاره به پیشینه قوانین مربوط به خسارت تأخیر تأدیه در ایران، استدلال‌های موافقان خسارت تأخیر تأدیه را بیان می‌کند (ص ۲۱-۲۹). به گفته محمدرضا مالک، هیچ‌یک از فقیهان شیعه خسارت تأخیر تأدیه را مشروع نمی‌دانند و تنها برخی اساتید حقوق به تأثیر از قوانین اقتباس‌شده از غرب آن را پذیرفته‌اند (ص ۲۹-۳۰).

بر اساس دیدگاه موافقان، محروم‌ماندن از انتفاع پول (عدم النفع) نوعی ضرر است که بدهکار باید آن را جبران کند (ص ۳۰). اما نویسندگان که بین خسارت تأخیر تأدیه و ربا تفاوتی نمی‌بینند، معتقد است در فقه اسلامی برای بهره‌برداری از پول در زمان تأخیر، خسارتی قرار داده نشده است؛ از این‌رو، وی پرداخت درصدی به‌عنوان خسارت را در حکم زیاده بر دین قلمداد می‌کند (ص ۳۲). علاوه بر این او صرف نرسیدن به سود را خسارت نمی‌شمارد و کاهش ارزش پول را متوجه بدهکار نمی‌داند (ص ۳۵).

صحیح‌نبودن استناد به ضمان قهری
نویسندگان معتقد است مهم‌ترین دلیل برای جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه، استناد به ادله ضمان قهری است که با یکی از عناوین «غصب»، «مباشرت در اتلاف» یا «تسبیب در اتلاف» می‌توان به ادله ضمان و لاضرر استناد کرد و به پرداخت خسارت حکم داد (ص ۳۷). اما در نظر او این عناوین در مورد تأخیر در بازپرداخت وام‌ها یا اصلاً صدق نمی‌کند یا در صورت تحقق، به دلیل ربوی بودن، دریافت خسارت شرعاً جایز نیست (ص ۴۳؛ و ۴۹). نویسندگان ادامه دیدگاه شورای نگهبان را مبنی بر ربوی بودن خسارت تأخیر تأدیه، توضیح می‌دهد و اشاره می‌کند که این شورا، جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول را پذیرفته است (ص ۵۱-۵۲).

نقد مبانی فقهی موافقان وجه التزام
محمدرضا مالک در فصل دوم به بررسی مشروعیت دریافت وجه التزام می‌پردازد. به گفته او، موافقان این دیدگاه با استناد به ادله‌ای مانند «المؤمنون عند شروطهم» ملاک مشروعیت وجه التزام را لزوم عمل به شرط ضمن عقد می‌دانند، حتی اگر تأخیر در تأدیه موجب وارد آمدن خسارت نشود؛ چرا که ملاک آن ضمان قهری به سبب اتلاف یا تسبیب نیست (ص ۵۷). به گزارش نویسندگان پس از آنکه شورای نگهبان، خسارت تأخیر تأدیه را غیرشرعی دانست، مذاکراتی میان بانک مرکزی و این شورا انجام گرفت که در نهایت شورای نگهبان اخذ جرمه دیرکرد را در قالب وجه التزام تعیین شده در ضمن عقد پذیرفت (ص ۶۰-۶۲). نویسندگان که هرگونه افزایش در مبلغ دین به دلیل تأخیر را حرام می‌دانند این عملکرد شورای نگهبان را نقد کرده است (ص ۶۳-۶۵).

تفاوت نداشتن وجه التزام و ربا

موافقان مشروعیت وجه التزام، با ذکر فرقی‌هایی در صدد متفاوت نشان‌دادن ربا و وجه التزام برآمده‌اند (ص ۷۱؛ و ۷۴؛ و ۷۸)؛ مثلاً به گفته غلامرضا رضوانی، از فقیهان پیشین شورای نگهبان، جرمه تأخیر قسط ربا نیست، بلکه جرمه‌ای است بابت پرداخت نکردن قسط در زمان مقرر. این مبلغ به عنوان خسارت تأخیر دریافت می‌شود و نه به منظور نگه‌داشتن قسط برای دوره بعد؛ از این رو، طبق قاعده «المؤمنون عند شروطهم» چنین شرطی معتبر و بدون اشکال است (ص ۷۱).

محمدرضا مالک با این انتقاد که در این دیدگاه، ربا به ربای جاهلی محدود شده، دریافت هرگونه اضافه در قرض را ربوی و حرام می‌داند. با اینکه مؤلف تعیین وجه التزام در قالب شرط ضمن عقد را برای وادار کردن طرف معامله به انجام تعهدات خود جایز می‌داند، اما معتقد است، وجه التزام، عرفاً همان زیادی حرام است و به همین دلیل شرط پرداخت زیاده در صورت تأخیر تأدیه، مشکل ربوی بودن جرمه تأخیر را حل نمی‌کند و ادله وجوب عمل به شرط، این مورد را شامل نمی‌شود (ص ۷۲-۷۴). او معتقد است گرفتن مبلغ زیادتر از اصل دین، در هر صورتی حرام است و فرقی‌های گفته شده تفاوتی را در واقع امر ایجاد نمی‌کند (ص ۸۳).

نویسنده در ادامه برخی ادله حرمت ربا (مانند آیه ۲۷۵ سوره بقره، آیه ۱۳۰ سوره آل عمران و روایات) را ذکر کرده، آراء فقیهان را درباره آن نقل می‌کند (ص ۸۸-۹۷) و در نهایت نتیجه می‌گیرد که گرفتن وجه التزام به هر کیفیتی که انجام بگیرد (تعیین آن به صورت درصدی یا مبنا قراردادن نرخ سود تسهیلات) حرام است (ص ۹۸-۱۰۶).

عدم مشروعیت تعزیر مالی نویسنده که ماهیت واقعی جرمه تأخیر در نظام بانکداری را همان «نفع پول» می‌داند، در فصل سوم به بررسی تعزیر مالی می‌پردازد. به گفته او، از آنجا که جرمه تأخیر و وجه التزام به بانک تعلق داشت، برای برطرف شدن شبهه ربا و قطع رابطه بانک با فرد بدهکار، راه حل تعزیر مالی مطرح شد تا طرف مقابل فرد بدهکار، دولت باشد؛ از این رو به جای بحث جبران خسارت یا پرداخت وجه التزام، مسئله مجازات مجرم از سوی حاکم اسلامی، تحت عنوان تعزیرات حکومتی مطرح شد (ص ۱۰۹-۱۱۰). نگارنده در ادامه به بررسی تعزیر پرداخته، اختیارات امام و نائب او را در اجرای تعزیر و ادله مشروعیت تعزیر را بررسی می‌کند. به گفته مالک، فقیهان در مشروعیت تعزیر مالی اختلاف نظر دارند. او با اشاره به روایات دال بر مشروعیت تعزیر مالی، بیشتر آنها را روایات اهل سنت و ضعیف‌السند می‌خواند و معتقد است، مدلول برخی از آنها با برخی احکام قطعی اسلامی تضاد دارد (ص ۱۱۵-۱۱۸).

به گفته نگارنده، اخذ جرمه مالی از سوی حکومت اسلامی، چند اشکال دارد:

عدم دلیل شرعی؛ اخذ جرمه مالی از سوی حکومت در سیره مسلمانان، حتی در زمان خلفا، سابقه ندارد (ص ۱۱۸-۱۲۲).

عدم تفاوت تعزیر مالی با ربا در نظر عرف؛ جرمه مالی در جایی که دین وجه نقد است، عرفاً ربا به شمار می‌آید؛ زیرا الزام به پرداخت مبلغ زیادی، از سوی طلبکار انجام می‌گیرد (ص ۱۲۳).

منفورشدن دولت اسلامی در نزد مردم؛ در نظر مردم جریمه‌های مالی همان رباست، با این تفاوت که از سوی دولت اسلامی گرفته می‌شود (ص ۱۲۵-۱۲۶).

راهکارهای جایگزین برای جریمه تأخیر
محمدرضا مالک در فصل پایانی کتاب، جریمه تأخیر در چهار طرح جدید بانکداری جمهوری اسلامی ایران را در چهار گفتار بررسی و نقد می‌کند:

طرح عملیات بانکی بدون ربا (سال ۱۳۹۵ ش)؛
طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۹۵ ش)؛
طرح قانون جامع بانکداری اسلامی جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۹۷ ش)؛
طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۹۸ ش).
به باور نویسنده این چهار نسخه اشکالات مشترکی دارند، ولی نسخه اولیه آن اشکالات کمتری دارد و با مبانی فقهی سازگارتر است (ص ۱۴۳-۱۷۲).

مالک در پایان کتاب، راهکارهای جایگزین برای حل مشکل شرعی جریمه تأخیر را بررسی کرده است. او این راهکارها را در دو دسته کلی قرار داده است:

راهکارهایی که مسئله تأخیر تأدیه بدهی با دریافت پول از بدهکاران تحت عناوین دیگر پیگیری می‌شود، تا هم اشکال شرعی جریمه تأخیر برطرف گردد و هم منافع بانک‌ها با دریافت خسارت تأمین گردد (ص ۱۷۳)؛ نویسنده این روش‌ها را نوعی حيله برای دریافت ربا می‌داند که هدف آن جبران منافع بانک در دوران تأخیر است (ص ۱۸۳).
راهکارهایی که در صدد است بدون دریافت پول از بدهکاران، مسئله تأخیر تأدیه دیون را حل کند؛ نویسنده این راهکارها را مطابق شرع دانسته، مخالف عدالت نمی‌داند و معتقد است، از نظر فنی و اجرایی قابل اجرا هستند. راهکارهایی مانند اعتبارسنجی صحیح متقاضی تسهیلات و شناسایی ریسک اعتباری او، ارزیابی دقیق پروژه‌های پیشنهادی و میزان سودآوری آنها، استفاده از شرکت‌های تخصصی وصول مطالبات، و گرفتن وثیقه مطمئن با قابلیت نقدشوندگی (ص ۱۸۳-۱۸۴).